

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۹۵، صفحات ۱۶۵-۲۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۹/۰۱

بررسی وضعیت تغییرهای نسلی سبک زندگی (مورد مطالعه: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)

سید محمدرضا رشیدی^۱

هادی ایرانی^۲

محسن هادی طحان^۳

چکیده

در جامعه‌ی ما امروز به دلیل دگرگونی‌های گسترده در شیوه‌ی زندگی مردم سبک زندگی و دگرگونی‌های آن مورد توجه زیادی واقع شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی وضعیت دگرگونی‌های نسلی سبک زندگی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان می‌باشد. برای مطالعه‌ی این موضوع از نظریه‌های بوردیو، گیدنز و... استفاده شده است. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایشی- توصیفی بوده و جامعه آماری آن نیز همه‌ی ساکنان روستاهای مرزی شهرستان مریوان می‌باشد. در این پژوهش با توجه به مشخص نبودن جامعه‌ی آماری، از فرمول کوکران (برای جامعه آماری نامشخص) به لحاظ شماره بهره برده و به ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه دست یافته و تعداد ۳۸۴ نفر از آنان به روش سهمیه‌ای و نظام‌مند در دو مرحله انتخاب شدند که در مرحله‌ی نخست روش سهمیه‌ای و در مرحله‌ی بعد نظام‌مند بود. همچنین به منظور تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد به همراه آزمون تی مستقل (تفاوت میانگین نسل اول و نسل دوم) برای بررسی وضعیت تغییرات نسلی

dsr.rashidi@gmail.com

hadiirani1988@gmail.com

mht.sport69@gmail.com

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام (نویسنده مسئول)

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهشگری

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تربیت بدنی

و آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی شاخص‌های تغییرهای نسلی بهره گرفته شد. در این پژوهش از ابزار استاندارد سبک زندگی (LSQ) جهت عملیاتی کردن متغیرهای سبک زندگی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد بین نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از لحاظ دگرگونی‌های نسلی سبک زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این تفاوت میانگین بیشتر برای مؤلفه‌های سلامت محیطی، ورزش و تندرستی و کنترل وزن و تغذیه مشهود بوده است. همچنین ترتیب اولویت دگرگونی‌های نسلی سبک زندگی برای نسل والدین به ترتیب اجتناب از داروها و مواد مخدر، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، پیشگیری از حادثه، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها، کنترل وزن و تغذیه، ورزش و تندرستی، سلامت محیطی بوده درحالی که این اولویت‌بندی برای نسل فرزندان به ترتیب سلامت اجتماعی، سلامت محیطی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از حوادث، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها، اجتناب از داروها و مواد مخدر، سلامت معنوی بوده است.

کلید واژه‌ها: تغییرات، نسل، سبک زندگی، روستاهای مرزی، مریوان.

مقدمه

ایران مانند همه جامعه‌های در حال دگرگونی در دهه‌های اخیر، دچار دگرگونی در بعدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... شده است. بررسی‌های گوناگون درباره‌ی این تحول‌ها در سال‌های اخیر صورت گرفته است: بررسی تغییر ارزش‌های اجتماعی جوانان، تحول‌های خانواده، شکاف نسلی و... در بیشتر این پژوهش‌ها جامعه‌ی هدف، جامعه شهری بوده است. در حالی که جامعه روستایی کشور نیز به‌عنوان جامعه در حال گذار دستخوش این دگرگونی‌ها بوده است ولی در تبیین‌های جامعه‌شناختی مورد عنایت قرار نگرفته‌اند.

روستاهای ایران به‌دلیل برخورداری از دستاوردهای فن‌آورانه دنیای نو و برای برخورداری از تسهیلات ارتباطی، در دوره‌ای از تاریخ تحول فرهنگی- اجتماعی خود قرار دارند که دگرگونی‌های گسترده‌ای در سبک زندگی سنتی خود به‌سوی زندگی نوین را پذیرا هستند. این دگرگونی را می‌توان برابند دگرگونی‌های گوناگونی دانست که از مهم‌ترین آن‌ها ورود ابزارهای نو، افزایش سطح تحصیل روستاییان، جایگزینی نسلی، اجرای طرح‌های خدمات عمرانی در روستاها و افزون بر همه‌ی آن‌ها برخورداری از زیر ساخت‌های ارتباطی هستند (رضوی زاده، ۱۳۸۳: ۵).

از سال ۱۳۳۵، روستاییان مهاجر در حاشیه شهرها، اندک اندک با ساختمان‌ها، اتومبیل‌ها، سینما، پوشاک، خوراک و سرانجام، شیوه‌ی زندگی شهری رو یا روگشته و شهرها دچار روستازدگی شدند برابند مهاجرت‌های گروهی روستاییان به شهرها، روستازدگی شهرها یا به‌بیان دیگر، اثرگذاری فرهنگ روستایی در شهرها است. روستازدگی فرآیند اثرپذیری جامعه‌ی شهری از فرهنگ روستایی است (خسروی، ۱۳۸۰: ۸۸).

در گذشته، به دلیل مهاجرت‌های روستاییان به شهرها و دیدار از زندگی شهری، در ذائقه‌ی روستاییان دگرگونی ایجاد می‌شد، اما در زمان حاضر نیاز به مهاجرت فیزیکی برای تغییر ذائقه و سبک زندگی نیست، بلکه امروزه روستاییان در منزل خود با دیدن نمودهای زندگی شهری و جهانی در رسانه‌های درونی و جهانی (ماهواره)، فرهنگ و سبک زندگی‌شان دچار دگرگونی می‌شود. اما اکنون شاهد شکل‌گیری پدیده «شهری شدن روستاها» هستیم بعد از آن که روستازدگی شهرها را سپری کرده‌ایم؛ تغییرهای بسیاری در بعدهای گوناگون زندگی در روستا به وجود آمده است و این تغییرها را می‌توان در بیشتر روستاهای ایران دید. نمی‌توان نگاه توسعه‌ای به روستا داشت و هم زمان چشم بر روی تحول‌های رخ داده در جامعه روستایی بست. به‌ناچار این تغییرها پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه روستایی دارند، که بر روند توسعه آن اثر می‌گذارند. بی‌علاقگی جوانان به انجام فعالیت‌های کشاورزی و پی‌آمد آن کاهش فعالیت‌های کشاورزی دختران و پسران نسل دوم و سوم که موجب شده است تا امور کشاورزی را میان‌سالان و سال‌خوردگان رتق و فتق کنند، دگرگونی از جامعه‌ی تولیدی به سمت جامعه‌ی مصرفی، حرکت جوانان روستایی به سمت فردگرایی که می‌توان در شیوه‌ی گذران اوقات فراغت آن‌ها دید، بالا رفتن سن ازدواج و... پیامدهای این تغییرها هستند. تحول‌های ایجاد شده، گرچه ممکن است آن گونه نباشند که از نظر آماری بر شاخص‌های سنتی مؤثر باشند اما هر یک نشانه‌ای هستند از تغییرهایی که در آینده با سرعت و شدت بیشتری رخ می‌دهند.

برایند مطالعه‌های اکتشافی پژوهش‌گران و به‌ویژه در این پروژه از روستاهای مرزی شهرستان مریوان در سال‌های اخیر، بیانگر دگرگونی‌هایی است که در زندگی

روستاییان به وجود آمده و در بالا توصیف آن آمد. تغییرهایی که افزون بر الگوی مصرف در ساختارهای فرهنگی همچون آداب و رسوم، عقاید و ارزش‌ها و ایده آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به‌طور کل سبک زندگی روی داده است. حتی الگوی مصرف، در وسایل خانگی، تزئینات منزل، خوراک، پوشاک و... در این سال‌ها به شدت تغییر کرده است. این تغییرها در جامعه روستایی در مقایسه با جامعه شهری از شتاب بیشتری برخوردار بوده است. به‌طوری‌که می‌توان از آن به‌عنوان پدیده شهری شدن روستا نام برد. بسیاری از روستاها از نماهای نو و کاربرد فن‌آوری‌هایی چون برق و وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره و برخوردارند. با از میان برداشته شدن کد مخابراتی بین شهر و روستا، آن‌ها از اینترنت، اتومبیل، لوازم برقی در منزل و... از رفاه و ذائقه‌های دیگر بهره‌مند شده‌اند. چنین بهره‌مندی‌ها، در واقع به معنای تغییر و دگرگونی در مصرف و الگوی مصرفی روستاهاست (حیدری ساریان و همکاران، ۱۳۹۵). روستاهای مرزی مریوان افزون بر ارتباط‌های رسانه‌ای و مجازی که همانند روستاهای دیگر کشور و استان در تیررس آن قرار دارد. ارتباط‌های کالایی و داد و ستدی با روستاها و شهرهای را عراق دارد افزون بر مصرف کالاهای لوکس یاد شده وجود بازار فروش چنین کالاهایی در درون کشور درآمد و سطح و به تبع آن سبک زندگی را دگرگون کرده است چنین مهمی برابر مطالعه‌های اکتشافی پژوهش‌گران حاضر، در دگرگونی‌های سبک زندگی آن‌ها می‌تواند نقش داشته باشد. ورود کالاهای وارداتی و درآمدهای ناشی از این دادوستد در زندگی روستاهای مرزی، کانون دگرگونی در سبک و شیوه زندگی آنان است برای همین به نظر رسید که پژوهش حاضر در مورد دگرگونی سبک زندگی در این روستاها شکل بگیرد و

اهمیت چنین پژوهشی برای شناخت سبک زندگی و دگرگونی‌های آن در روستاهای یاد شده را بالا برده و انجام آن را توجیه می‌کرد. ورود ابزار و کالاهای مادی در زندگی مردم روستاها دگرگونی‌های فرهنگی و معنوی یا دگرگونی ارزش‌ها و به تبع آن تاخر فرهنگی را در پی دارد که چنین دگرگونی‌هایی با سبک زندگی و ارزش‌های بومی زاویه داشته و مانع‌هایی را در پی دارد در حالی که ورود کالا و دگرگونی‌های مادی مانع‌هایی را به دنبال ندارد.

بر این اساس در مقاله حاضر به دنبال بررسی وضعیت تغییرهای نسلی سبک زندگی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان هستیم. برای پاسخ‌گویی به سؤال چگونگی تغییرهای نسلی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان، پیگیری سؤال‌های زیر لازم می‌نماید.

- شاخص‌های تغییرهای نسلی سبک زندگی، در روستاهای مرزی شهرستان مریوان کدام‌ها هستند؟
- تفاوت‌های بین نسل نخست (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از نظر تغییرهای نسلی سبک زندگی، در روستاهای مرزی شهرستان مریوان چگونه است؟
- اولویت‌بندی شاخص‌های تغییرهای نسلی سبک زندگی نسل نخست (والدین) و نسل دوم (فرزندان) در روستاهای مرزی شهرستان مریوان چگونه است؟

مبانی نظری

تا پیش از جنگ جهانی دوم، مفهوم سبک زندگی اهمیت چندانی نداشت و با این نام از آن یاد نمی‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، با گسترش پایه‌های اجتماعی دولت

رفاه و بوجود آمدن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، به ویژه کالاهای فرهنگی، شیوه‌های زندگی گوناگونی پدید آمد. در این دوره، شاهد‌های موجود نشان می‌داد که دیگر افراد بر مبنای جایگاه خود در نظام تولید نمی‌اندیشند و رفتار نمی‌کنند. بر ایند چنین وضعیتی این که، مفهوم سبک زندگی در معنی نو آن مطرح شد تا از راه آن بتوان شالوده همانندی‌ها و گوناگونی‌های اجتماعی را بررسی نمود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۲).

پس از آن، نخستین بار در سال ۱۹۶۴ فردی به نام ویلیام لیزر مفهوم سبک زندگی را برای پژوهش‌های بازاریابی و مصرف و بر پایه‌ی الگوی خرید کالا معرفی کرد. برابر نظر لیزر، سبک زندگی شیوه‌ی مشخص زندگی است که گروهی از افراد آن را به کار می‌گیرند. به نظر وی، سبک زندگی بیانگر شیوه زندگی ویژه‌ی جامعه یا گروه اجتماعی است، شیوه‌ای که بدان شیوه کالاها‌ی خرید شده مصرف می‌شوند (اندرسون و گودن، ۱۹۸۴).

اما این به معنای آن نیست که پیش از این تاریخ، مفهوم سبک زندگی (یا شیوه‌ی زندگی) مفهومی ناشناخته در علوم اجتماعی بوده باشد. بلکه، ریشه این مفهوم به سال‌های دهه ۱۹۲۰ بر می‌گردد؛ زمانی که ماکس وبر و اندکی پس از وی آلفرد آدلر این عبارت را به کار بردند. به اعتقاد آدلر، هرکس برای خود سبک زندگی‌ای دارد که کمابیش با سبک زندگی دیگران شبیه است اما کاملاً همسان نیست. سبک زندگی، از دیدگاه وی، نوعی منشأ درونی در فرد دارد و برخاسته از نخستین سال‌های کودکی اوست و الزاماً موروثی یا حتی زاده محیط نیست. وبر برای نخستین بار از واژه‌ی سبک زندگی بهره برد و آن را ابزار مفهومی مهمی در مدل چند بعدی

قشربندی اجتماعی قلمداد کرد. در این جا وبر، در برابر مدل اقتصادی مارکس، بر این باور است که جامعه فقط به لحاظ اقتصادی قشربندی نمی‌شود. بلکه بر اساس منزلت و راه و رسم آشکار شدن منزلت در سبک‌های زندگی گروه‌های اجتماعی گوناگون نیز قشربندی می‌شود. از این رو حوزه فرهنگی جامعه را باید هم به منزله‌ی محصول عامل‌های اقتصادی و هم به عنوان فرایندهایی درک کرد که کنشگران اجتماعی برای جدا ساختن خویشتن به عنوان کسانی که به گروه منزلتی ویژه‌ای تعلق دارند، در پیش می‌گیرند. این فرایندها- به زعم وبر- مستلزم کاربست خلاقانه‌ی کالاها و خدمات معینی است که صنعت‌های مصرفی را در دسترس افراد قرار می‌دهند. بنابراین، از دید وبر- و در تقابل با مارکس- مفهوم‌های منزلت و تعلق فراتر از مسئله‌های طبقاتی به کار می‌روند و مسئله‌های برازندگی و سلیقه و تجسم بصری آن در مد و ترجیح‌های فراغتی را نیز در بر می‌گیرد (بنت، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱- تورستن وبلن

اندکی پیش از وبر، وبلن به مسئله‌ی مصرف به عنوان اصلی‌ترین راهبرد سبک زندگی پرداخته بود. وبلن «بیش از آن که در پی بررسی منطق سودگرایانه مصرف باشد، به دنبال نشان دادن منطق احترام‌آمیز آن است (کلارک، ۲۰۰۳: ۴۸).

سؤال اساسی وبلن این است که «مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی چیست» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱) و پاسخ می‌دهد: ثروت. «داشتن ثروت، بزرگی و افتخار را به همراه می‌آورد که امتیازهای رشک‌انگیزی هستند» (وبلن، ۱۳۸۳: ۷۲). پافشاری بر ثروت، از آن‌روست که از دید وبلن، دادن شایستگی و لیاقت به اعضای جامعه، در نوگرایی به فرایندی تک بعدی تبدیل شده است. گرایش نوگرایی، تبدیل هر پدیده

کیفی به کمیت است (کلارک، ۲۰۰۳: ۴۹). منزلت، افتخار، بزرگی، حرمت نفس و... پدیده‌هایی ارزشمندند و هر فردی خواهان دستیابی به آن‌ها است. اما این‌ها پدیده‌هایی‌اند که دیگران آن‌ها را به فرد می‌دهند. معیار دیگران برای دادن این پدیده‌ها به فرد، ثروت است. هر چه ثروت فرد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار شده و منزلت بیشتری به او داده می‌شود. اما از دید وبلن، صرف داشتن ثروت اعتبار و منزلت را تضمین نمی‌کند، بلکه ثروت «برای آن که بیشترین شان و منزلت را برای صاحبش به ارمغان بیاورد، باید به صورتی خودنمایانه به نمایش گذاشته شود» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱). وبلن تن آسایی و مصرف خودنمایانه را به عنوان شیوه‌هایی برای نمایش توانایی مالی و کسب شهرت و احترام معرفی می‌کند (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۲۲). وی این دو شیوه را خودنمایانه می‌خواند زیرا معتقد است که «الگوهای مصرف طبقه تن آسا، نه برای برآورده کردن نیازهای واقعی، بلکه برای نشان دادن ادعاهای اعتبار اجتماعی می‌باشند» (کیویستو، ۱۳۸۰: ۵۵). در هر حال، این دو روش شیوه‌هایی برای نمایش دادن ثروتند. وبلن در پاسخ به این سؤال که کدام روش برای تأثیرگذاری بر دیگران مناسب‌تری دارد، بر آن است که «عرف اجتماعی پاسخ این پرسش را برای وضعیت‌های گوناگون معرفی می‌کند. در وضعیت‌هایی که جامعه آن قدر کوچک و همبسته است که می‌توان به زودی انگشت‌نمای همگان شد، اثر هر دو روش یکسان به نظر می‌رسد» (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۲۳). اما در جامعه‌های نو، وضعیت به گونه‌ای دیگر است. وبلن نیز به شیوه‌ی زیمل بر این باور است که پیچیدگی و گمنامی جامعه نو ما را به یک ملاک ارزشی یکسان و تقلیل‌گرایانه سوق می‌دهد که بی‌آمد آن این است که افراد دیگر بر پایه‌ی ویژگی‌ها و کردارشان ارزیابی نمی‌شوند بلکه بر پایه‌ی میزان

ثروت‌شان مورد قضاوت قرار می‌گیرند (کلارک، ۲۰۰۳: ۴۹). و این به آن معناست که «با افزایش تفاوت‌گذاری که بایسته‌ی محیط اجتماعی گسترده‌تری است، مصرف به‌عنوان وسیله‌ی تجمل بر تن‌آسایی پیشی می‌گیرد» (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

ایده وبلن بر پایه‌ی تمایزیابی و تقلید گذارده شده است. به باور وی «طبقه دارا از راه مصرف خودنمایانه به اقتدار هنجاری دست می‌یابد و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند... گروه‌های اجتماعی زیردست می‌کوشند تا خود را با الگوهای هنجاری طبقه دارا تنظیم کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱). در واقع به اعتقاد وبلن، طبقه‌های زیردست از الگوهای مصرف طبقه دارا تقلید می‌کنند. دلیل این تقلید ارزشمندی منزلت، افتخار و پایه‌گذاری این پدیده‌ها بر ثروت است. صاحبان ثروت از منزلت و احترام بالاتری نسبت به دیگران برخوردارند. چون منزلت و احترام ارزشمندند، همه افراد جامعه خواهان آن‌ها هستند. بنابراین برای کسب کمینه از آن‌ها، رفتارهای دارندگان آن‌ها را تقلید می‌کنند تا در سلسله مرتبه‌های اجتماعی به لایه‌های بالاتر نزدیک شوند. اما از طرفی طبقه دارا، دارندگان ثروت، منزلت و احترام نیز خواهان حفظ برتری خود هستند. بنابراین هنگامی که الگوهای آن‌ها با طبقه‌های زیردست مورد تقلید قرار می‌گیرند، برای حفظ تمایز و ادعای برتری خود- و حفظ موقعیت اجتماعی خود- صورت‌های جدیدی از مصرف را دنبال می‌کنند.

۲- جرج زیمل

دیدگاه‌های زیمل در ارتباط با مصرف بر اساس مفهوم شهر و پی‌آمدهای شهرنشینی تدوین شده‌اند. از دید زیمل شهر فضایی است که زندگی مدرن در آن جریان دارد. جامعه مدرن در اصل در کلان شهر شکل گرفته و به‌صورت عمیق و

کامل در آنجا تکامل یافته است (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۶). زندگی کلان شهری با آن که با زائل کردن قید و بندهای سنتی و پایه‌های تعلق‌های گروهی، فردیت را برای افراد به ارمغان می‌آورد اما به عرصه‌ی خودمختاری فرد نیز دست‌درازی می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۴). بر همین مبناست که زیمل در مقاله‌ی کلان شهر و حیات ذهنی ادعا می‌کند که عمیق‌ترین مسئله‌های زندگی نو از تلاش فرد برای حفظ خودمختاری و فردیت در برابر نیروهای اجتماعی توانکاهی ناشی می‌شوند که در کلان شهر متمرکز شده‌اند (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۳).

کلان شهر متنی است که بواسطه کنش‌های متقابل ساکنانش ساخته می‌شود، اما خود تبدیل به متنی می‌شود که این کنش‌ها در درون آن رخ می‌دهند و بنابراین پیامدهای مهمی - هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی - برای کنشگران دارد. شیوه‌ی بازنمایی خود یکی از ابعاد کنش متقابل در متن زندگی کلان شهر است «اینکه ما چگونه برای دیگران خودمان را بازنمایی و عیان می‌کنیم و، بالعکس، اینکه چگونه قادر می‌شویم دیگران را در کلان شهر درک کنیم، مبین نوعی دغدغه و حساسیت نه تنها به حیات ذهنی ما بلکه به حیات جسمانی ما در کلان شهر و بازنمایی آن است» (فریزی، ۱۳۸۵: ۳۷). گمنامی یکی از مهمترین پیامدهای زندگی کلان شهری است. این گمنامی «موجب پیدایش نیاز به تمایز شخصی و راهی برای متمایز ساختن خویش از انبوه مردم می‌شود» (بنت، ۱۳۸۶: ۹۹). پاسخ افراد به این نیاز، به‌لحاظ ذهنی اتخاذ نوعی نگرش دلزده نسبت به دیگر ساکنان کلان شهر، بی‌اعتنایی به آنها و غربال کردن محرک‌های پیچیده و به‌لحاظ عینی روی آوردن به سبک‌های متنوع زندگی و مصرف کالاهاست. در شرایط زندگی کلان شهری، سبک‌های زندگی از مهم‌ترین

شیوه‌هایی اند که می‌توان از آنها برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت کلان شهر و تحکیم حس هویت استفاده کرد.

۳- پیر بوردیو

در دیدگاه بوردیو، ذائقه یا سلیقه یکی از اصول مولد سبک زندگی و مصرف است. بوردیو که به تأسی از وبر مجموعه مناسبات اجتماعی را روابطی معنایی می‌داند که حاوی بعدی نمادین‌اند (توسلی، ۱۳۸۳: ۴) بر این باور است که نیروی محرکه‌ی زندگی اجتماعی تعقیب تمایز است. از دید وی، خاستگاه غایی رفتار، عطش فرد برای کسب ارزش و شان است و برای سیراب نمودن این عطش به قضاوت و داوری دیگران تن در می‌دهد (واکووانت، ۱۳۸۳: ۳۳۰ و کلهون، ۱۹۹۳: ۷۰). بر این مبنای بوردیو با جرح و تعدیل مدل وبر و وضع مفاهیم جدید، در صدد مفهوم‌پردازی و نشان دادن ارتباط میان طبقه و منزلت بر می‌آید (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۱۰) و مفاهیم سه‌گانه منش/عادتواره، میدان و سرمایه را وضع می‌کند.

بوردیو عادتواره را «نظامی از تمایلات بادوام و قابل انتقال که به‌عنوان مولد اعمال ساخت‌یافته و به‌شکل عینی مجسم شده، عمل می‌کند» (بوردیو به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۹) تعریف می‌نماید. عادتواره میان افرادی که تجارب مشابهی داشته‌اند، به‌صورت یک قالب مشترک در می‌آید. اما با وجود این «هر فرد گونه‌ی منحصر به فردی از آن قالب مشترک را در اختیار داشته و طبق آن عمل می‌کند» (واکووانت، ۱۳۸۳: ۳۳۴). به عبارتی «منش‌ها علاوه بر اینکه متمایز و تمایز یافته‌اند، عامل تمایز هم هستند» (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۵). منش افراد وابسته به میزان سرمایه‌ای است که آنها در اختیار دارند، اما قبل از پرداختن به سرمایه، توضیح مفهوم میدان ضروری‌تر به نظر می‌رسد: بوردیو جامعه را به‌عنوان فضای اجتماعی بازنمایی می‌کند. این فضای

اجتماعی عرصه رقابتی شدید و بی‌پایان است. این رقابت به ظهور تفاوت‌هایی می‌انجامد که ماده و چارچوب لازم را برای هستی اجتماعی تدارک می‌بینند. در درون این فضای اجتماعی، مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارند. بورديو این مدل‌ها را میدان می‌نامد. بنابراین میدان گستره‌ای از نوع خاصی از اعمال و فضای روابط میان کنشگران است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). جامعه - به منزله فضای اجتماعی - از کثیری میدان‌های واجد اتصالات در هم پیچیده تشکیل شده است که ممکن است با هم تقاطع و همپوشانی و تداخل داشته باشند یا اثرات همدیگر را تقویت کنند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

فضای اجتماعی عرصه رقابتی بی‌پایان است. این رقابت برای دستیابی به منابع ارزشمندی است که در درون این فضا وجود دارند. این منابع در واقع انواع مختلف سرمایه‌اند. سرمایه که بورديو آن را منبع قدرت می‌داند (کالینیکوس، ۱۳۸۳: ۵۰۴) عبارت است از «هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، مؤثر واقع شود» (واکووانت، ۱۳۸۳: ۳۳۵). سرمایه بر حسب شیوه‌های مختلف انباشت آن و عرصه‌ای که در آن عمل می‌کند به سه شکل اساسی (سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) ظاهر می‌شود (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۶؛ توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۷؛ کلهون، ۱۹۹۳: ۶۷).

مدل بورديو را می‌توان بدین صورت تلخیص نمود که: جایگاه افراد در درون میدان‌های مختلف، نحوه و میزان دسترسی آنها به انواع سرمایه‌ها را تعیین می‌کند. میزان سرمایه‌هایی که افراد به آن دسترسی دارند و نحوه ترکیب انواع مختلف سرمایه‌ها، عادت‌واره‌های افراد را شکل می‌دهند و عادت‌واره‌ها نیز الگوهای رفتاری اشخاص در عرصه‌های مختلف سبک زندگی را جهت دهی می‌کنند.

۴- آنتوتی گیدنز

گیدنز، بحث سبک زندگی را از منظر ارتباط آن با هویت شخصی مطرح نموده است. در این ارتباط توجه به دو نکته اهمیت اساسی دارد: اول اینکه هویت شخصی یک هستی معین و پایدار نیست بلکه فرایندی است که باید به‌طور پیوسته آنرا تولید و بازتولید کرد. هویت پدیده‌ای است که به مثابه بخشی از کنش‌ها و فعالیت‌های راهوار و بازاندیشانه فرد روی می‌دهد و در نتیجه باید آنرا به مثابه یک پروژه‌ی بازاندیشانه فهمید و دوم اینکه، هویت شخصی نوع انسان رابطه تنگاتنگی با امنیت هستی شناختی دارد. هویت شخصی ما با درجه بالایی از امنیت هستی‌شناختی، مبنای توانایی ما برای پاسخ‌ها و مدل‌های حل کردن پرسش‌های وجودی بی‌شماری است که در زندگی روزمره‌ی خود با آنها مواجه می‌شویم (گیدنز، ۱۳۸۳؛ کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۴-۱۰۳).

از دید گیدنز جامعه امروزی جامعه‌ای است که در آن سنت دیگر راهنمای عمل قرار نمی‌گیرد و نمی‌تواند یک هویت شخصی را برای ما فراهم کند. در نتیجه فرد هر چه بیشتر و بیشتر با پرسش‌هایی اساسی روبرو می‌شود که پاسخ از پیش معینی برای آنها ندارد، پرسش‌هایی از قبیل چگونه زندگی کنم؟ (کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۱۰۴). پیامد این مسئله، رویارو شدن فرد با گستره‌ی وسیع و پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن است. اما فرد برای گزینش از میان این شقوق مختلف، هیچ دستور کار از پیش معینی در اختیار ندارد. مدرنیته به خاطر ماهیت غیر شالوده‌ای خود، در امر گزینش هیچ کمکی به فرد نمی‌کند و مهمترین پیامد این امر اهمیت یافتن سبک زندگی برای فرد عامل است (گیدنز، ۱۳۸۰). سبک زندگی از دید گیدنز مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که حتی انتخاب یک محیط دلخواه برای ملاقات با دیگران و یا انتخاب افرادی قابل اعتماد برای برقراری یک رابطه صمیمانه را نیز شامل می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که در اندیشه گیدنز، سبک زندگی از دو جنبه اهمیت می‌یابد. اول اینکه، سبک زندگی در واقع مکانیسمی است برای حفظ و استمرار امنیت هستی‌شناختی. امنیت هستی‌شناختی منوط به حفظ و تداوم کیفیت روالمند زندگی روزمره است. هنگامی که کوچکترین تخطی‌ای از روال عادی امور صورت می‌گیرد، اضطراب بر سراسر وجود فرد مستولی می‌گردد. حفظ امنیت وجودی مستلزم آن است که فرد «در سطح ناخود آگاه و خود آگاه عملی، برای بعضی از بنیادی‌ترین پرسش‌های وجودی‌ای که همه آدمیان در طول عمر خود با آنها روبرو می‌شوند، پاسخی در اختیار داشته باشد. این پرسش‌ها عبارتند از پرسش‌های مربوط به نفس هستی، روابط بین دنیای خارج و زندگی آدمی، وجود اشخاص دیگر و هویت شخصی» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۵). پاسخ به این پرسش‌ها منوط به روالمند بودن جریان زندگی است و الگومند کردن سبک زندگی و رفتارهای مصرفی در واقع مکانیسمی است برای روال بخشیدن به آن. اما بعد دوم اهمیت سبک زندگی، ارتباط آن با هویت شخصی است. هویت شخصی در مدرنیته متاخر به صورت پروژه‌ای درمی‌آید که باید «به گونه‌ای باز اندیشانه ساخته شود. اما این تکلیف باید در میان تنوع حیرت‌آوری از انتخاب‌ها و امکان‌ها انجام گیرد و از آنجائیکه سنت‌ها قدرت خود را از دست داده‌اند، سبک زندگی جایگاهی کانونی می‌یابد» (لاپتن، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

۵- رونالد اینگلهارت

اینگلهارت تغییرات فرهنگی را در پرتو دگرگونی‌های نسلی تحلیل می‌کند. وی برای تحلیل تغییرات فرهنگی، دو فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن را مطرح می‌کند. طبق فرضیه کمیابی، اولویت‌های افراد بازتابی از محیط اقتصادی- اجتماعی آنها هستند. بر مبنای فرضیه اجتماعی شدن نیز ارزش‌های اساسی فرد منعکس کننده‌ی

شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است. در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های جمعی یک جامعه، به‌طور ناگهانی و یک شبه تغییر نمی‌کنند. برعکس، دگرگونی ارزش‌ها به تدریج و به‌طور نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوانتر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷). بر طبق نظریه اینگلهارت می‌توان گفت که عامل اصلی در تغییرات سبک زندگی نیز، نه تغییرات اقتصادی و یا افزایش نسبی رفاه، بلکه جابجایی نسل‌هاست.

چارچوب نظری

با جمع‌بندی نظریه‌های گیدنز، بوردیو و اینگلهارت می‌توان گفت که: گسترش رسانه‌های جمعی موجب رواج ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی در جامعه‌ی مورد مطالعه شده است. رسانه‌های جمعی، فاصله‌های زمانی و مکانی را در پرائتز قرار داده و موجب محلی شدن امور جهانی شده‌اند. نتیجه این امر، آگاهی فزاینده افراد از سبک‌های مختلف زندگی است. این رسانه‌ها بیشتر از همه بر نسل جدید تأثیرگذار هستند، چرا که یکی از عوامل اصلی اجتماعی شدن نسل جدید، همین رسانه‌های جمعی هستند. از طرفی، میزان استفاده نسل جدید از رسانه‌های ارتباطی جدید بیشتر از نسل‌های دیگر است. در اثر این فرآیند، تغییراتی در عادت‌واره‌های نسل جدید در عرصه‌های مختلف زندگی ایجاد شده است که نمود عینی آن را می‌توان در جلوه‌های گوناگون سبک زندگی، از جمله خوراک، پوشاک و گذران اوقات فراغت، مشاهده نمود.

بوردیو در کتاب تمایز، نوعی جامعه‌شناسی سلیقه ارائه می‌دهد و بر نقش زمینه‌ها و

عوامل اجتماعی در شکل‌گیری ذائقه‌های زیبایی‌شناختی تأکید می‌کند. او همچنین به نقش هویت‌بخش سبک زندگی اشاره و آن را ابزاری برای نشان دادن تمایز اجتماعی می‌داند (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۷)؛ چراکه افراد برحسب ترکیب نوع و حجم سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در موقعیت‌های متفاوتی قرار می‌گیرند و در نتیجه سبک‌های زندگی مختلفی دارند، به عبارتی هر طبقه لباس خاصی می‌پوشد، نوشیدنی خاص خود را دارد، اوقات فراغت و ورزش متفاوتی دارد و در نهایت سبک زندگی خاص همان طبقه را رقم می‌زند (بورديو، ۱۹۸۴). بنابراین در نگاه بورديو، سبک زندگی، منشأ طبقاتی دارد و برحسب جایگاه افراد در نظام سلسله‌مراتبی، شیوه زندگی آن‌ها نیز متفاوت است از سوی دیگر از جایی که سرمایه فرهنگی، قریحه فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سبب می‌شود قریحه‌هایی متفاوت در میان افراد شکل بگیرند، بدین سان، ابعاد مختلف سبک زندگی در نظر بورديو پیامد قریحه‌هاست.

از آنجا که نسبت به نسل قدیم، نسل جدیدتر دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و... دارند و میزان سرمایه‌های جوانان بالأخص سرمایه فرهنگی آنان تفاوت فراوانی نموده است، لذا این تفاوت سرمایه به گفته بورديو موجب شکل‌گیری قریحه‌هایی متفاوت در میان افراد شده، روی تمام ابعاد سبک زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث به‌وجود آمدن تفاوت‌های نسلی در جامعه می‌گردد.

همچنین لازم به ذکر است به سبب گسترش دامنه تأثیر رسانه‌های جمعی، بالأخص ماهواره، اینترنت و سایر فناوری‌های اطلاع‌رسانی، جامعه اطلاعاتی، امروزه بعدی جهانی پیدا کرده و افراد در پی پدیده جهانی شدن و تجدد و نیز گسترش محدوده انتخاب افراد و افزایش فردگرایی، سبک‌های زندگی متفاوتی ایجاد می‌کنند که گاهی از نسل پیشین خود بسیار فاصله دارد، همان‌گونه که اینگلهارت صنعتی شدن و

مدرنیزاسیون را دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی به طور اعم و تغییرات ارزشی به طور اخص دانسته و در این باب می‌گوید رشد سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود (زارع و اصل روستا، ۱۳۸۴: ۸۱). وی به این نکته نیز اشاره دارد که تفاوت‌های دیرپا در یادگیری‌های فرهنگی، نقش مهمی در نحوه رفتار و تفکر مردم ایفا می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۶).

پیشینه نظری و تجربی

جدول ۱: خلاصه پژوهش‌های انجام شده

محقق و سال انجام پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج عمده
از کیا، کرمانی و بهروان (۱۳۸۷)	تأثیر ورود و تغییرات تکنولوژی بر معیشت و تحولات آن	بررسی مقوله استقرار صنعت در مناطق روستایی به عنوان یکی از شیوه‌ای رایج بسط اقتصاد غیرزراعی در روستاها و تغییرات اقتصادی- اجتماعی در شیوه زندگی روستائیان بواسطه این امر پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، کمبود در برخی عوامل اصلی تولید کشاورزی همچون منابع آب و خاک در عین فراوانی عامل نیروی کار در مناطق مورد بررسی علاوه بر ایجاد فشار روزافزون بر زمین‌های زراعی موجب مهاجرت گسترده‌ی روستائیان و به تبع آن درگیر ساختن دیگر مناطق با مشکلات ناشی از این مهاجرت‌ها شده است.
رفیع فر و قربانی (۱۳۸۶)	بررسی تغییرات معیشتی راهبردی انطباقی به شرایط نوپدید زیست محیطی (که کوچندگان بختیاری پرداخته)	تحول از کوچندگی به یکجانشینی در زاگرس به عنوان خود متأثر از تغییرات تکنولوژیکی است) و نیز به دلیل محدودیت و پراکنش منابع و تغییر در زیرساخت معیشت و مکانیزم‌های آن مطرح شده است

نوذری در تحقیق خود نشان می‌دهد که امر سیاسی بنیادی ترین تفکیک و تمایز را بر مبنای دوست و دشمن در میان روستائیان قرار داده و تعیین کننده نوع و ماهیت امر اجتماعی است. در واقع، در این دست پژوهش‌ها، مناسبات اجتماعی و فرهنگی از منظر امر سیاسی نگریسته می‌شوند.

تحلیل ماهیت امر سیاسی و اثرات و پیامدهای آن در زندگی روزمره روستائیان

نوذری (۱۳۸۸)

نتایج تحقیق از کیا و حسینی نشان می‌دهند نسل سوم، سبک زندگی متفاوتی را نسبت به نسل اول و دوم انتخاب کرده است؛ به گونه‌ای که شیوه پوشاک و آرایش، الگوهای گذران اوقات فراغت، شیوه گفتار، الگوی تغذیه و شیوه بهداشت در میان نسل سوم متفاوت از دو نسل دیگر است. مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. به عبارتی، نسل سوم به سبک زندگی مصرفی گرایش دارند. اما به اعتقاد محققین، تفاوت در سبک زندگی نسل سوم با نسل‌های اول و دوم به معنای شکاف نسلی نیست؛ چرا که نسل‌های اول و دوم نیز به نوعی با نسل سوم در پذیرش سبک زندگی نوین همراه شده و در مواردی از آن تأثیر پذیرفته‌اند.

بررسی تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی در بین سه نسل از ساکنان روستای آهنگر محله

از کیا و حسینی (۱۳۸۷)

نشان داده است که هرچند سرمایه اقتصادی رابطه معنی‌داری با سبک زندگی دارد، اما بیشترین تأثیر مربوط به سن و سرمایه فرهنگی است. در واقع، این نه طبقه اقتصادی بلکه نسل است که تغییرات سبک زندگی را تعیین بخشیده و جهت می‌دهد. نسل‌های مختلف به دلیل تفاوت زمینه و جایگاه اجتماعی خاص شان در جامعه، ساختمان‌های ذهنی متفاوتی دارند که بر نوع ذائقه و عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد. نسل سوم و دوم ساختمان ذهنی متفاوت و به تبع آن ذائقه‌ای متفاوت از نسل اول دارند و این تفاوت در جلوه‌های گوناگون سبک زندگی آنها نمایان است

بررسی تأثیر گسترش باغات پسته بر سبک زندگی افراد در روستای خلیل آباد در میان نسل‌های سه گانه

صفا (۱۳۸۸)

<p>پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و والدینی که سن آن‌ها بین ۶۵ تا ۹۰ سال و بین ۴۰ تا ۶۰ سال است اشتراک فرهنگی بیشتری به هم نسبت به هر کدام از آن‌ها با نسل جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال دارند (کلند، ۱۹۹۴).</p>	<p>تفاوت‌های فرهنگی نسل‌های قدیمی و جدید کلند (۱۹۹۴)</p>
<p>در استرالیا ذائقه فرهنگی طبقه متوسط (فرهنگیان) را بررسی کرده. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که این قشر ذائقه فرهنگی طبقه متوسط را برای خود برگزیده‌اند.</p>	<p>بررسی تفاوت ذائقه‌ی طبقات اجتماعی در استرالیا تورنر (۲۰۰۲)</p>
<p>مدیریت ظاهر سبک زندگی به این امر می‌پردازد که زیبایی در تمامی فرهنگ‌ها ارزش به شمار می‌آید. آنان در نتایج خود دریافتند که زنان خیلی سریع یاد می‌گیرند ظاهر خود را برای رسیدن به ایده‌آل‌های فرهنگی مدیریت کنند که نوعاً شامل تنظیم وزن و تمیز نگه داشتن بدن برای برآوردن هنجارهای ایده‌آل‌های فرهنگی مدیریت کنند که نوعاً شامل تنظیم وزن و تمیز نگه داشتن بدن برای برآوردن هنجارهای موردانتظار.</p>	<p>تصور از بدن و مدیریت آن پیش جنسیت‌ها راد و لنون (۲۰۰۰)</p>
<p>فرزندان گرایش‌های والدین را بیش‌تر از آن چه که هستند محافظه‌کارانه می‌دانند (یوسفی، عابدی ۱۳۸۶: ۳۲)</p>	<p>مطالعه تفهم گرایش والدین و فرزندان نسبت به هم کوک و بنگستون</p>
<p>بین فاصله پایگاه اقتصادی- اجتماعی با عدم توافق بین والدین و فرزندان ارتباط مشاهده کرده‌اند. شکاف نسلی موجود در خانواده‌های با خاستگاه طبقه‌ی پایین بیش‌تر است چنان‌چه فرزندان و پدران را مد نظر قرار</p>	<p>بررسی رابطه‌ی بین تحرك طبقاتی و شکاف نسلی جاکوبسن، بری والسون</p>
<p>اوقات فراغت افراد با سن تغییر می‌کند فرهنگ جوانی معطوف به فرهنگ توده‌ای است و بیش‌تر بر مبنای رسانه‌های تصویری و الکترونیکی است و جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان هستند.</p>	<p>بررسی رابطه‌ی بین اوقات فراغت، گروه سنی و سبک زندگی راپوپورت، (۱۹۷۵)</p>

نگرش دختران به ازدواج و رابطه‌ی پیش از ازدواج نسبت به پسران مثبت‌تر به‌دست آمده است. دختران در کانون ازدواج حمایت بیشتری می‌شوند.	ایمان به رابطه‌ی پیش از ازدواج	اریکسون الزابت و همکاران (۲۰۱۱)
تحصیلات، مهم‌ترین عامل در ارتقای مصرف فرهنگی است، زیرا تحصیلات به «عمق ادراک» و «میزان شناخت» می‌افزاید و ارتقای قوه شناخت موجب رشد توانایی‌های زیباشناختی در افراد می‌شود که به تبع آن محصولات فرهنگی متعالی‌تری را استفاده خواهند نمود (خادمیان، ۱۳۸۷:۱۴۴)	مطالعه اثرهای تحصیلات در ذائقه‌ی فرهنگی	پاول دی‌مگیو با مایکل اوسیم (۱۹۷۸)

در پژوهش‌های انجام شده علت‌های گوناگونی برای سبک زندگی روستائی‌ها مورد بحث واقع شده است از جمله این موردها، امر سیاسی، تغییرهای اجتماعی به شکل کلی، فن‌آوری و صنعت، باغ‌های پسته بوده است و در بخش دیگری از پژوهش‌ها، سن و گروه‌های سنی، جنس و... عامل‌های مؤثری در انتخاب ذائقه، سبک زندگی و... بیان شده است. در پژوهش‌هایی شاخص‌هایی همچون تحصیلات، اشتغال و... در سبک زندگی و سبک زندگی خانوادگی ارزیابی شده‌اند. در پژوهش ما، تغییر در سبک زندگی، با تقابل نوآوران در برابر سنت مورد اندازه‌گیری واقع شده است. نگاه ما بیشتر از نگاه جامعه‌شناختی بوده و زندگی نوگرایانه را در برابر زندگی سنتی و بومی به شکل تقابلی دیده‌ایم ولی دیگران تغییرهای جزئی‌تری همچون تأثیر اقتصادی باغ‌های پسته، فن‌آوری، صنعت، تغییرهای اجتماعی و... را به‌عنوان عنصرهایی از تقابل سنت و مدرنیته را مطالعه کرده‌اند. ولی بیشتر پژوهش ما همچون پژوهش ما حرکت‌های نسلی را در گستره‌ی سه نسل مطالعه کرده و تغییر و دگرگونی‌های

اجتماعی و سبک زندگی را در سه نسل دیده است و بدین شکل پی به دگرگونی‌های رخ داده بین نسل‌های اول و سوم برده است و شکاف‌های ایجاد شده در سبک زندگی نسل اول تا سوم چنین مهمی را به ما القا می‌کند. فرایند تغییر از نسل اول تا سوم خود را به نمایش می‌گذارد.

فرضیه‌های تحقیق

- شاخص‌های نسلی سبک زندگی، در بین نسل اولی‌ها و دومی‌ها در روستاهای مرزی شهرستان مریوان دگرگون شده است.
- بین نسل نخست (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از نظر سبک زندگی، در روستاهای مرزی شهرستان مریوان تفاوت وجود دارد.
- اولویت‌بندی شاخص‌های تغییرهای نسلی سبک زندگی نسل نخست (والدین) و نسل دوم (فرزندان) در روستاهای مرزی شهرستان مریوان گوناگون است؟

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر پیمایشی- توصیفی بوده و جامعه آماری کلیه ساکنان روستاهای مرزی شهرستان مریوان است که به دلیل در دست نداشتن آمار دقیقی از ساکنان این روستاها از فرمول کوکران در حالت مشخص نبودن تعداد جامعه استفاده شده است که بر مبنای فرمول مذکور تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین روش نمونه‌گیری در این پژوهش به دو روش سهمیه‌ای و سیستماتیک بوده که ابتدا هر سهم به اندازه حجم خود، نمودی از نمونه آماری خواهد بود. در این حالت هر روستا به عنوان هر سهم در نظر گرفته شد و با توجه به تعداد کل افراد روستا،

تعدادی از آنها به روش سیستماتیک شامل نمونه شدند. همچنین جهت تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد به همراه آزمون تی مستقل (تفاوت میانگین نسل اول و نسل دوم) و برای بررسی وضعیت تغییرات نسلی و برای اولویت‌بندی شاخص‌های تغییرات نسلی از آزمون فریدمن بهره گرفته شد که مقایسه چند گروه با میانگین رتبه‌های گروه‌ها را معلوم کند و این گروه‌ها می‌توانند از یک جامعه باشند یا نباشند. مقیاس‌ها در این آزمون رتبه‌ای بودند. این آزمون، کاربرد غیر پارامتریک از آزمون F دارد و در مقیاس‌های رتبه‌ای به جای F به کار می‌رود و جانشین آن می‌شود. در آزمون F همگنی واریانس‌ها مهم است که در مقیاس‌های رتبه‌ای کمتر رعایت می‌شود. آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه (برای داده‌های غیر پارامتریک) به روش رتبه‌بندی به کار می‌رود و نیز برای مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های گوناگون کاربرد دارد. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتریک، هم اندازه‌ی آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین متغیرهای گروه‌ها از آن استفاده کردیم.

تعریف مفهومی نسل

بررسی مفهوم نسل نشان می‌دهد تعاریف بسیاری از نسل شده است با این حال وفاق کاملی در مورد معنای نسل وجود ندارد شاید این مسئله به این دلیل است که مفهوم نسل، مفهومی بسیار انعطاف پذیر است. از یک جهت شاید بتوان گفت یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان. بدین ترتیب ما شاهد حضور سه نسل در هر دوره هستیم: پدر بزرگان و مادربزرگان، پدران و مادران و فرزندان. اما از آنجا که همواره و به‌طور پیوسته فرزندان در هر جامعه متولد می‌شوند، نقطه مشخصی

وجود ندارد که یک نسل را از نسل دیگر جدا کند. بنابراین تمایز قائل شدن بین معاصران (کسانی که در یک زمان به سر می‌برند) و همسالان (کسانی که در یک سن قرار دارند) دارای اهمیت است. انسان‌شناسان، از نسل بیشتر معنای نسب خویشاوندی مراد کرده‌اند. جمعیت‌شناسان منظور خود را از نسل با مفاهیمی چون «دوره نسلی» (جابه‌جایی جمعیت براساس جایگزینی از طریق تولد نوزاد و افزایش زاد و ولد) و هم‌دوره‌ای (هم‌دوره‌ای به معنی توالی جمعیت از طریق حرکت لایه‌های سنی است. به‌عنوان نمونه جایگزینی جوانان به‌جای پیران با وجود حضور هر دو گروه یکی از مصطلح‌ترین معنای هم‌دوره‌ای از نسل است بیان کرده‌اند. جامعه‌شناسان بیشتر نسل را با تجربیات نسلی، توضیح داده‌اند (Kartzer, 1983).

تعریف عملیاتی نسل

ما در این پژوهش فرزندان و والدین آنها را به‌عنوان دو نسل جداگانه بررسی کردیم و فرزندان ازدواجی که در گروه سنی جوان بودند تا ۳۰ سال مد نظر بود و افراد بالای ۳۰ سال را چنانچه ازدواج کرده بودند که با این پیش فرض در نمونه ما حاضر بودند را به‌عنوان والدین مطالعه کردیم و البته دو نسل فرزندان و والدین مورد مطالعه بودند.

تعریف مفهومی سبک زندگی

سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲).

تعریف عملیاتی سبک زندگی

در این پژوهش از ابزار استاندارد سبک زندگی (LSQ) جهت عملیاتی کردن تغییرات سبک زندگی بهره گرفته شد. این پرسشنامه دارای ۷۰ سؤال و صورت طیف لیکرت بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد مختلف سبک‌های زندگی (سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری‌ها، سلامت روان‌شناختی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، اجتناب از داروها و مواد مخدر، پیشگیری از حوادث و سلامت محیطی) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده و به گزینه هرگز امتیاز «صفر» و گزینه همیشه امتیاز «سه» داده می‌شود. پرسشنامه فوق دارای ۱۰ بعد سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری‌ها، سلامت روان‌شناختی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، اجتناب از داروها و مواد مخدر، پیشگیری از حوادث، سلامت محیطی می‌باشد که برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سؤالات مربوط به آن بعد جمع و همچنین برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات با هم جمع می‌شود که به صورت متغیر فاصله‌ای در هدف دوم تحقیق و متغیر ترتیبی در هدف سوم مورد سنجش قرار می‌گیرد. روایی پرسشنامه سبک زندگی به شکل صوری با استفاده از نظرات ۱۵ نفر از کارشناسان جامعه‌شناس و سبک زندگی شکل گرفته است. همچنین پایایی پرسشنامه با روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+۱) به معنای پایایی کامل قرار می‌گیرد و هر چه مقدار بدست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می‌شود. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سبک

زندگی (LSQ) در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: مقدار آلفای کرونباخ در پرسشنامه سبک زندگی (LSQ)

آلفای کرونباخ	بعد	آلفای کرونباخ	بعد
۰/۸۲	سلامت اجتماعی	۰/۸۹	سلامت جسمانی
۰/۷۹	اجتناب از داروها و مواد مخدر	۰/۸۷	ورزش و تندرستی
۰/۸۵	پیشگیری از حوادث	۰/۸۵	کنترل وزن و تغذیه
۰/۷۶	سلامت محیطی	۰/۸۷	پیشگیری از بیماری‌ها
۰/۸۷	آلفای کل	۰/۸۸	سلامت روان‌شناختی
		۰/۸۴	سلامت معنوی

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش یافته‌های ما در دو بخش یافته‌های توصیفی یا جمعیت‌شناختی بودند که دربردارنده‌ی ویژگی‌های جنسیتی، تحصیلات، وضعیت تاهل، گروه‌های سنی و... بودند. چنین داده‌هایی در سطح درصد و نسبت برای نمایش چگونگی توزیع جمعیت نمونه مهم بود و بخش دوم یافته‌های ما دربردارنده‌ی یافته‌های استنباطی بودند که فرضیه‌های ما با توجه به اولویت‌های زندگی و ذائقه نسل‌ها برای انتخاب و بکارگیری آن‌ها را شامل می‌شد و با آزمون‌های t و فریدمن چنین اولویت‌های انتخاب و بهره‌گیری از ابزار و امکانات و... را مورسنجش قرار دادیم.

یافته‌های توصیفی متغیرها

یافته‌های توصیفی و آمار جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه، دربردارنده‌ی تحصیلات، جنسیت، سن و وضعیت تاهل بود.

جدول ۳: توصیف متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها	ابعاد	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۲۱۱	۵۴/۹۵
	زن	۱۷۳	۴۵/۰۵
وضعیت تاهل	مجرد	۱۵۲	۳۹/۵۸
	متاهل	۲۳۲	۶۰/۴۲
میزان تحصیلات	بی سواد	۹۵	۲۴/۷۴
	ابتدایی	۸۴	۲۱/۸۸
	راهنمایی	۵۶	۱۴/۵۸
	دیپلم	۶۳	۱۶/۴۱
	فوق دیپلم	۲۸	۷/۲۹
	کارشناسی	۳۹	۱۰/۱۶
	کارشناسی ارشد	۱۷	۴/۴۳
	دکتری	۲	۰/۵۲
سن	کمتر از ۲۵ سال	۵۴	۱۴/۰۶
	۲۶ تا ۳۰ سال	۸۲	۲۱/۳۵
	۳۱ تا ۳۵ سال	۷۳	۱۹/۰۱
	۳۶ تا ۴۰ سال	۹۶	۲۵/۰۰
	۴۰ سال به بالا	۷۹	۲۰/۵۷

نتایج بدست آمده برای جنسیت پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۵ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۵ درصد نیز زن بوده‌اند. همچنین وضعیت تاهل پاسخگویان نشان داد که ۴۰ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۶۰ درصد آن‌ها نیز متاهل بوده‌اند. بر این اساس

می‌توان گفت بیشتر پاسخ‌گویان متاهل بوده‌اند. از سوی دیگر نتایج بدست آمده در جدول ۲ برای میزان تحصیلات نشان می‌دهد که کمترین و بیشتر افراد به ترتیب دارای سطوح تحصیلاتی دکتری (۱ درصد) و بی‌سواد (۲۵ درصد) می‌باشند. سرانجام نیز یافته‌ها برای سن پاسخ‌گویان نشان داد که کمترین و بیشترین افراد به ترتیب در رده‌های سنی کمتر از ۲۵ سال (۱۴ درصد) و ۳۶ تا ۴۰ سال (۲۱ درصد) قرار دارند.

توصیف مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی بر اساس میانگین و انحراف استاندارد

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی بر اساس میانگین و انحراف استاندارد

انحراف استاندارد		میانگین		مؤلفه‌های تغییرات نسلی
نسل دوم (فرزندان)	نسل اول (والدین)	نسل دوم (فرزندان)	نسل اول (والدین)	
۰/۵۴۸	۰/۹۸۵	۲/۱۲	۱/۶۴	سلامت جسمانی
۰/۶۵۷	۰/۸۴۶	۲/۳۱	۱/۲۵	ورزش و تندرستی
۰/۵۴۹	۰/۷۶۹	۲/۲۹	۱/۳۶	کنترل وزن و تغذیه
۰/۶۸۷	۰/۶۵۸	۲/۱۱	۱/۵۲	پیشگیری از بیماری‌ها
۰/۹۵۴	۰/۶۴۲	۲/۱۸	۱/۶۵	سلامت روان‌شناختی
۰/۷۵۹	۰/۸۸۳	۱/۷۶	۲/۳۴	سلامت معنوی
۰/۸۵۲	۰/۹۴۱	۲/۴۶	۱/۹۴	سلامت اجتماعی
۰/۸۶۴	۰/۷۸۶	۱/۹۵	۵/۵۶۸	اجتناب از داروها و مواد مخدر
۰/۵۶۸	۰/۶۵۷	۲/۲۲	۱/۸۳	پیشگیری از حوادث
۰/۸۸۳	۰/۵۹۷	۲/۳۶	۱/۱۶	سلامت محیطی
۰/۷۳۲۱	۰/۷۷۶۴	۲/۱۷۹	۱/۷۲۵	کل متغیر تغییرات نسلی سبک زندگی

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد بر اساس میانگین به‌دست آمده برای مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی که دارای میانگین کل ۱/۷۲۵ (برای والدین) و ۲/۱۷۹ (برای فرزندان) می‌باشد نشان از اختلاف میانگینی می‌باشد که در ادامه و با استفاده از آزمون تی دو گروه مستقل به آن می‌پردازیم. در بین مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی نیز پایین‌ترین و بالاترین میانگین برای نسل اول (والدین) به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های سلامت محیطی و اجتناب از داروها و مواد مخدر می‌باشد در حالی که پایین‌ترین و بالاترین میانگین برای نسل دوم (فرزندان) به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های سلامت معنوی و سلامت اجتماعی بوده است. همچنین کمترین و بیشترین پراکندگی برای نسل اول و دوم به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های سلامت روان‌شناختی و سلامت جسمانی (برای نسل اول) و مؤلفه‌های سلامت جسمانی و سلامت روان‌شناختی (برای نسل دوم) می‌باشد.

یافته‌های استنباطی پژوهش

بررسی تفاوت بین نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از لحاظ تغییرات نسلی سبک زندگی

برای نشان دادن تفاوت‌های تغییرات نسلی فرزندان و پدر و مادرها از آزمون t مستقل بهره بردیم و برای آزمون فرضیه‌های مان و پاسخ به سؤال‌های تحقیق و رتبه بندی یا اولویت‌بندی تغییرهای نسلی در سبک زندگی از آزمون فریدمن بهره گرفتیم و جزییات چنین آزمون‌هایی در جدول‌های ارائه شده زیرین و توضیح و تبیین‌های آنها آمده است.

جدول ۵: آزمون تی مستقل برای تغییرات نسلی سبک زندگی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌های تغییرات نسلی	میانگین		اختلاف میانگین	آزمون تی دو گروه مستقل	
	نسل اول (والدین)	نسل دوم (فرزندان)		مقدار تی	سطح معنی‌داری
سلامت جسمانی	۱/۶۴	۲/۱۲	-۰/۴۸	۲/۶۴	۰/۰۰۰
ورزش و تندرستی	۱/۲۵	۲/۳۱	-۱/۰۶	۴/۲۱	۰/۰۰۰
کنترل وزن و تغذیه	۱/۳۶	۲/۲۹	-۰/۹۳	۲/۹۸	۰/۰۰۰
پیشگیری از بیماری‌ها	۱/۵۲	۲/۱۱	-۰/۵۹	۲/۴۷	۰/۰۰۰
سلامت روان‌شناختی	۱/۶۵	۲/۱۸	-۰/۵۳	۳/۶۵	۰/۰۰۰
سلامت معنوی	۲/۳۴	۱/۷۹	۰/۵۵	۴/۲۹	۰/۰۰۰
سلامت اجتماعی	۱/۹۴	۲/۴۶	-۰/۵۲	۲/۱۲	۰/۰۰۰
اجتناب از داروها و مواد مخدر	۲/۵۶	۱/۹۵	۰/۶۱	۳/۶۹	۰/۰۰۰
پیشگیری از حوادث	۱/۸۳	۲/۲۲	-۰/۳۹	۵/۹۸	۰/۰۰۰
سلامت محیطی	۱/۱۶	۲/۳۶	-۱/۲	۳/۰۳	۰/۰۰۰
کل متغیر تغییرات نسلی سبک زندگی	۱/۷۲۵	۲/۱۷۹	-۰/۴۵۴	۳/۵۰۶	۰/۰۰۰

برای بررسی تفاوت بین نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از لحاظ تغییرات نسلی سبک زندگی از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار t مشاهده شده تمامی مؤلفه‌ها و حتی کل متغیر تغییرات نسلی سبک زندگی از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد بزرگتر بوده است، و همچنین از آنجاکه تمامی سطوح معنی‌داری به دست آمده برای تمامی مؤلفه‌ها و حتی کل متغیر تغییرات نسلی سبک زندگی کمتر از خطای ۵ درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت بین نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان) از لحاظ تغییرات نسلی سبک زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این تفاوت میانگین بیشتر برای مؤلفه‌های سلامت محیطی، ورزش و تندرستی و کنترل وزن و تغذیه مشهود بوده است. به عبارت دیگر

بیشترین اختلاف بین والدین و فرزندان از لحاظ سه مؤلفه مذکور تغییرات نسلی سبک زندگی مشهودتر می‌باشد.

اولویت‌بندی مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان)

جدول ۶: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی

میانگین		انحراف استاندارد		میانگین		مؤلفه‌های تغییرات نسلی		
رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	
۷	۲/۳۳	۳	۱/۸۵	۰/۵۴۸	۰/۹۸۵	۲/۱۲	۱/۶۴	سلامت جسمانی
۳	۲/۵۲	۹	۱/۴۶	۰/۶۵۷	۰/۸۴۶	۲/۳۱	۱/۲۵	ورزش و تندرستی
۴	۲/۵۰	۸	۱/۵۷	۰/۵۴۹	۰/۷۶۹	۲/۲۹	۱/۳۶	کنترل وزن و تغذیه
۸	۲/۳۲	۷	۱/۷۳	۰/۶۸۷	۰/۶۵۸	۲/۱۱	۱/۵۲	پیشگیری از بیماری‌ها
۶	۲/۳۹	۵	۱/۸۶	۰/۹۵۴	۰/۶۴۲	۲/۱۸	۱/۶۵	سلامت روان‌شناختی
۱۰	۲/۰۰	۲	۲/۵۵	۰/۷۵۹	۰/۸۸۳	۱/۷۹	۲/۳۴	سلامت معنوی
۱	۲/۶۷	۳	۲/۱۵	۰/۸۵۲	۰/۹۴۱	۲/۴۶	۱/۹۴	سلامت اجتماعی
۹	۲/۱۶	۱	۲/۷۷	۰/۸۶۴	۰/۷۸۶	۱/۹۵	۲/۵۶	اجتناب از داروها و مواد مخدر
۵	۲/۴۳	۴	۲/۰۴	۰/۵۶۸	۰/۶۵۷	۲/۲۲	۱/۸۳	پیشگیری از حوادث
۲	۲/۵۷	۱۰	۱/۳۷	۰/۸۸۳	۰/۵۹۷	۲/۳۶	۱/۱۶	سلامت محیطی
*	۲/۳۸۹	*	۱/۹۳۵	۰/۷۳۲۱	۰/۷۷۶۴	۲/۱۷۹	۱/۷۲۵	کل متغیر تغییرات نسلی سبک زندگی

جدول ۷: آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان)

۳۸۴	تعداد نمونه
۸۹/۴۷۱	مقدار χ^2 دو
۹	درجه آزادی
۰/۰۰۶	سطح معنی‌داری

نتیجه آزمون نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود. یعنی نظرات پاسخگویان نمونه آماری در مورد اولویت‌بندی مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی نسل اول (والدین) و نسل دوم (فرزندان)، یکسان نبوده و پاسخگویان به درستی معنی سؤالات را متوجه شده و تفاوت بین آن‌ها را درک کرده‌اند. به عبارت دیگر مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی دارای اولویت یکسانی نمی‌باشند. این امر را می‌توان از طریق جدول ۵ دریافت که بر حسب میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی اولویت‌بندی شده‌اند که بر اساس نتایج، مؤلفه‌های تغییرات نسلی سبک زندگی در نسل اول و دوم به ترتیب دارای اولویت زیر بوده‌اند:

نسل اول (والدین)

اجتناب از داروها و مواد مخدر، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، پیشگیری از حوادث، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها، کنترل وزن و تغذیه، ورزش و تندرستی، سلامت محیطی.

نسل دوم (فرزندان)

سلامت اجتماعی، سلامت محیطی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از حوادث، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها، اجتناب از داروها و مواد مخدر، سلامت معنوی.

نتیجه‌گیری و بحث

همان‌طور که پیش از این خاطر نشان شد، هدف این مقاله بررسی نسلی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی مناطق مرزی شهرستان مریوان و به عبارتی مطالعه تغییرات ایجاد شده سبک زندگی بین دو نسل (والدین و فرزندان) بوده است. نتایج

حاصل از تحلیل داده‌ها نشان از تفاوت در بین شاخص‌های تغییرات نسلی سبک زندگی (سلامت اجتماعی، سلامت محیطی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از حوادث، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها، اجتناب از داروها و مواد مخدر، سلامت معنوی) بین نسل والدین و نسل فرزندان بود.

والدین اگر چه خود زندگی سنتی را در پیش گرفته‌اند اما به نوعی فرزندان را در انتخاب سبک زندگی جدید همراهی می‌کنند. بنابراین آن نوع شکاف نسلی که در جامعه شهری از آن صحبت می‌شود در روستا وجود ندارد؛ بلکه می‌توان از تفاوت نسلی در جامعه روستایی صحبت کرد، که برابر نظریه‌ی اینگلهارت ناشی از تجربه‌ی جامعه‌پذیری متفاوت نسل‌هاست. بنابراین تفاوت نسلی در جامعه روستایی وجود دارد و آن را به سمت تغییرات اجتماعی در آینده سوق می‌دهد که در این تغییرات نسل‌های دوم و سوم و... روستا پیشروتر از گروه‌های دیگر هستند. تفاوت نسلی در روستا نه تنها پدیده منفی نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدهایی مثبتی را برای جامعه روستایی در پی داشته باشد چون به نوعی نشان دهنده پویایی جامعه روستایی است که می‌توان از این پتانسیل در جهت برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای استفاده کرد.

ورود خدمات زیربنایی و عمرانی به روستا، ورود وسایل ارتباط جمعی جدید، ارتباط با شهرنشینان و... منجر به حرکت جامعه روستایی از سبک زندگی روستایی به سمت سبک زندگی شهری شده است. تغییر در عادات و حرکت به سمت جامعه مصرفی از ویژگی‌های مهم مسیر تغییرات است. مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است بنابراین هزینه زندگی نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته است. بهره‌مندی از امکانات آب، برق، گاز، تلفن و وسایل برقی (تلویزیون و

سی دی و ماهواره، کامپیوتر، اینترنت، تلفن همراه، دوربین‌های متنوع فیلمبرداری، فر، سشوار و... ماهیانه درصدی از درآمد روستاییان را به خود اختصاص می‌دهد. در حالی که در گذشته این مبالغ توسط روستایی هزینه نمی‌شد، زیرا این امکانات، کارکردی در زندگی روستایی نداشتند. اکنون وسایلی در زندگی روستایی جای گرفته‌اند که گاه بیش از آن که «ضرورت کارکردی» داشته باشند «ضرورت تزئینی» یافته‌اند. هزینه‌های دیگر زندگی نیز مثل تحصیل بچه‌ها، هزینه پوشاکی، فراغتی، تغذیه‌ای و... را باید به این هزینه‌ها افزود. این در حالی است که با تقسیم شدن متوالی زمین‌های گسترده زراعی بین وراثت از میزان بازده آن نسبت به قبل کاسته شده است و جوانان تمایلی برای انجام کار کشاورزی ندارند، به نظر می‌رسد این موارد پیامدهای تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی است. بنابراین توجه به پیامدهای این تغییرات که منجر به تغییر مجدد زمینه (جامعه روستایی) می‌شود از اهمیت زیادی برخوردار است که برنامه‌ریزان توسعه روستایی می‌بایست این تغییرات و پیامدهای آن را مورد توجه قرار دهند.

از لحاظ نظری نتایج حاضر در راستای نظریات بوردیو و اینگلهارت بوده است. به نظر بوردیو (۱۹۸۴) سبک‌های زندگی محصول منظم سرمایه فرهنگی هستند که تحقیق ما نیز این رابطه را در بعضی ابعاد سبک زندگی نشان می‌دهد. همچنین بوردیو معتقد است تمایز دوران مدرنیته منجر به شکل‌گیری میدان‌های گوناگونی شده و عمل کنشگر در هر میدان، بنا به جایگاه فرد در میدان، سرمایه، تجربیات شخصی در جریان جامعه‌پذیری، دوره زمانی و قدرت میدان در آن دوره شکل می‌گیرد. اگرچه در اکثر مواقع، برای توضیح ذوق کنشگر، ویژگی‌های میدان تعیین‌کننده هستند اما در

صورتی که ویژگی‌های میدان تغییر نکرده باشد باید برای درک دگرگونی فرد به ذوق وی رجوع کرد. از سوی دیگر اینگلهارت در کتاب «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» به این نتیجه می‌رسد که نگرش گروه‌های سنی جوان‌تر با نگرش‌های گروه‌های سنی بزرگ‌تر تفاوت دارد. زیرا با تغییر شرایط محیط اقتصادی-اجتماعی اولویت‌های ارزشی نسل جوان متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود.

از لحاظ تجربی نیز نتایج این پژوهش در راستای پژوهش‌های ترنر (۲۰۰۲) و راد لون (۲۰۰۰) و پاول دی کلیو و مایکل اوسیم (۱۹۷۸) می‌باشد که برابر نتایج تحقیق‌های پیشین ذائقه فرهنگی در انتخاب سرمایه مادی و طبقات اجتماعی دخیل بودند و همین تصور از بدن و زیبایی‌های ظاهری، اندام، قد و وزن و ویژگی‌های شخصیتی فیزیکی در سرمایه فرهنگی، ذائقه و سبک زندگی اثرگذار بوده، همچنین تحصیلات، مهم‌ترین عامل در ارتقای مصرف فرهنگی است، زیرا تحصیلات به «عمق ادراک» و «میزان شناخت» می‌افزاید و ارتقای قوه شناخت موجب رشد توانایی‌های زیباشناختی در افراد می‌شود که به تبع آن محصولات فرهنگی متعالی‌تری را استفاده خواهند نمود (خادمیان، ۱۳۸۷: ۱۴۴) و از این جهت تحصیلات تأثیر مهم و کتمان‌ناپذیری بر سبک زندگی فرهنگی فرد خواهد داشت چرا که مصرف فرهنگی با سطح تحصیلات بالاتر به سمت نخبه‌تر شدن گرایش می‌یابد. نتایج تحقیق ما همسو با یافته‌های پژوهشی عنوان شده و در راستای نظریه بورديو در جهت سرمایه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، مادی و نمادین برای انتخاب سلیقه، ذائقه و همچنین طبقه اجتماعی بودند به گونه‌ای که جوانان روستایی (با توجه به استفاده از رسانه‌ها و وسایل جدید زندگی) پیشگامان تغییر هستند و پتانسیل لازم برای پذیرش سبک

زندگی جدید را دارند بیش از گروه‌های دیگر، پیامدهای تغییر سبک زندگی در زندگی آنان بازتاب دارد (گسترش خانواده هسته‌ای، عدم تمایل به کار کشاورزی، رو آورد به دادوستدهای مرزی، تشویق به ادامه تحصیل فرزندان و...). بنابراین برنامه‌ریزان توسعه روستایی می‌بایست بیش‌تر به تغییرات در حال وقوع و پیامدهای این تغییرات (تا بررسی علل مؤثر) در جامعه روستایی توجه کنند. این بررسی در روستاهای غربی ایران (روستاهای اطراف شهرستان مریوان) صورت گرفته است و نمی‌توان با قطعیت نتایج آن را به کل روستاهای ایران تعمیم داد. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد با انجام بررسی‌های جامعه‌شناختی در مناطق روستایی مختلف کشور تصویری از آن چه که در جامعه روستایی در حال اتفاق افتادن است به دست آورد. با مطالعه سبک زندگی روستایی و تغییرات در حال وقوع در آن، می‌توان به شناختی از مسائل و نیازهای جامعه روستایی دست یافت به‌همین دلیل بررسی زمان حال (برای یک جامعه در حال گذار) می‌تواند وسیله‌ای برای نظاره آینده باشد.

منابع

- از کیا، مصطفی، حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۹) تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه‌ی روستایی، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۰، شماره‌ی ۳۷، صص ۲۴۱-۲۶۴.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، انتشارات کویر.
- بنت، اندی (۱۳۸۶)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه‌ی لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، انتشارات اختران، چاپ اول.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱)، *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار، چاپ دوم.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، *اشکال سرمایه، در کتاب: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ویراسته کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ اول.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، صفحات: ۲۳-۱.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)، تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو درباره‌ی فضای منازعه‌آمیز اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳، صفحات: ۲۷-۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پی‌یر بوردیو*، ترجمه‌ی لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ اول.
- حیدری ساربان، وکیل؛ میرباقری هیر، میرناصر؛ اشتری مهرجردی، اباذر؛ ابراهیم زاده

- آسمین، حسین (۱۳۹۵)، بررسی نقش فن آوری اطلاعات و ارتباطات پیرامون سبک زندگی فرهنگی روستاییان مشکین شهر، *فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا* (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هفتم، شماره ۱، صص: ۲۱۲-۲۰۱.
- خادیمان، طلحه (۱۳۸۷)، «سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان»، چاپ اول، تهران: نشر جهان کتاب.
- خسروی، خسرو (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی روستایی ایران*، تهران: نشر قدس.
- ربانی، رسول و یاسر رستگار (۱۳۸۷)، جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۵-۵۳.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، قربانی ریگ، رضا (۱۳۸۶)، *تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان (نمونه‌ی موردی عشایر تالش در طول سه فصل)*، دوره‌ی ۳۱، ش ۱، ش پاییزی ۱۸۲۱، دی ۱۳۸۶.
- رضوی‌زاده، نورالدین (۱۳۸۳)، *بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی*، پایان‌نامه دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا (۱۳۸۴)، *بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- زیمیل، گئورگ (۱۳۷۲)، *کلانشهر و حیات ذهنی*، ترجمه‌ی یوسف اباذری، *نامه علوم اجتماعی*، دوره‌ی جدید، شماره ۳، صص: ۶۶-۵۳.

- صفا، لیلا (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر گسترش باغات پسته بر سبک زندگی افراد در روستای خلیل آباد در میان نسل‌های سه‌گانه*، گزارش تحقیق.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، انتشارات صبح صادق، چاپ اول.
- فریزی، دیوید (۱۳۸۵)، *گنورگ زیمیل*، ترجمه‌ی جواد گنجی، انتشارات گام نو، چاپ اول.
- کالینیکوس، آلکس (۱۳۸۳)، *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*، ترجمه‌ی اکبر معصوم بیگی، انتشارات آگه، چاپ اول.
- کاظمی پور، عبدالصمد (۱۳۸۷)، *نسل ایکس: بررسی‌های جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی*، تهران، نشر نی.
- کرمانی، مهدی، بهروان، حسین و ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، *بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه‌ی زندگی روستائیان به واسطه‌ی استقرار صنعت در مناطق روستایی، نمونه مورد مطالعه: مجتمع صنعت معدنی مس قلعه‌ی زری، علوم اجتماعی*، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره، صص ۱۷۹-۲۱۴.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ سوم.
- لاپتن، دبرا (۱۳۸۰)، *بیم و مدرنیزاسیون تأملی*، ترجمه‌ی مریم رفعت جاه، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۱۸، صفحات: ۳۱۵-۲۹۳.

- لعلی، محسن؛ عابدی، احمد؛ کجیاف، محمدباقر (۱۳۹۱)، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سبک زندگی (LSQ)، پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص: ۸۰-۶۴.
- لویزه، خوزه و اسکات، جان (۱۳۸۵)، ساخت اجتماعی، ترجمه‌ی حسن قاضیان، نشر نی، چاپ اول.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۸)، صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته؛ بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نقش جهان.
- یوسفی، زهرا و محمدرضا عابد (۱۳۸۶)، «بررسی اثربخشی آموزش روابط سالم با رویکرد یادگیری اجتماعی بر افزایش آگاهی دختران از روابط آسیب‌زای دختران و پسران»، فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی، شماره‌ی ۹۶۱، ۴۶-۹۱۴.
- واکوانت، لویک، جی.دی (۱۳۸۳)، پیر بوردیو. در کتاب: متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ویراسته راب استونز، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، نشر مرکز، چاپ دوم، صص: ۳۴۸-۳۲۵.
- ویلن، تورستین (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ اول.
- Bourdieu, Pierre. (1984), "*Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*", Translated by Richard Nice, London: Routledge.
- Calhoun, Craig. (1993), *habitus, field and capital: the question of historical specificity in: Calhoun, C, Lipuma, E and Postone, M (eds), Bourdieu*, critical perspectives, polity press.
- Clark, david. (2003), *the consumer society and postmodern city*, Routledge.
- Eriksson, Elisabet; Lindmark, Gunilla; Axemo, Pia; Haddad, Beverley & Beth Maina Ahlberg (2011). "Faith, Premarital Sex and Relationship: Are Church Messages in Accordance with the

Perceived Realities of the Young? A Qualitative Study in Kwazulu Natal, South Africa", *Journal of Religion and Health*, Vol. 102, No. 4, pp. 581-589.

- Jacobsen, R, Brook & Berry, Kenneth J, et. (1975), *Anempirica*, (Test of the Generation Gap: A Comparative Inter Family Study), *Journal of marriage and the family*.
- Howe, Neil, Struss, William (1991), *Generations the history Tell Us about Americas next Rendezvous with Density-New York Broadway books*.
- Kaspersen, Lars, Bo. (2000), *Anthony Giddens, an introduction in a social theorist*, Blackwell publishers.
- Kertzer, I. David. (1983), *Generation as sociological problem*, Annual reviews, No. 9, 99-125.
- McDonald, Peter (1994), Gender Equity, Social institutions and the future of fertility, *Journal of the Australian population Association*, May 2000.
- Rudd, Nancy A. & Lennon, Sharron J. (2000), "*Body Image and Appearance Management Behaviors in College Women*", Clothing and Textiles Research Journal, 18: 152,162.
- Rapoport, R; R. N. Rapoport. (1975), *Leisure and the Family Life Cycle*, London & New York: Routledge.
- Turner, B, T. Lmunds, J. (2002), "The Distaste of Tastes Bourdieu, Cultural Capital and the Australian Post Wavelite", *Journal of Consumer Cultural*, Vol (2): 219-340.